

همراه با والنتینا وزالی، دارنده ۶ مدال طلای فلور المپیک

"توانمندسازی بانوان و تفکر آینده نگر"

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۹/۳/۲۰)

رسیدن به اوج به تنهایی اتفاق نمی افتد. اگرچه همه ما در حال حاضر در دوره همه گیری بیماری کورونا تنهایی را به خوبی احساس می کنیم، اما ما می دانیم که برای ساختن یک قهرمان شمشیربازی یک گروه متخصص مورد نیاز است. در طی مصاحبه ما با بانوی قدرتمند شمشیربازی جهان، **والنتینا وزالی**، ما عمیقاً به دنبال آن هستیم که به مفهوم عبارت "رسیدن به صدر شمشیربازی جهان" برسیم.



باید گفت که **والنتینا وزالی** قهرمان قهرمانان است. او با داشتن شش مدال طلای المپیک، یک نقره و دو برنز که آغاز آن از آتلانتا در سال ۱۹۹۶ بود، بدون شک یکی از موفق ترین اسطوره های تاریخ شمشیربازی مدرن جهان است. او نخستین فلوریستی بود که در سه المپیک متوالی، در سال های ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ موفق به کسب طلای انفرادی شد. او در غیر از المپیک، شانزده مدال طلا در مسابقات قهرمانی جهان و سیزده مدال طلا در مسابقات قهرمانی اروپا کسب کرده است. فراتر از شمشیربازی، او نویسنده دو کتاب و به عنوان عضو پارلمان ایتالیا نیز خدمت کرده است.

آنچه از این مصاحبه به دست آمده است، اهمیت پیگیری **توانمندسازی بانوان** می باشد. وزالی نه تنها به دلیل مهارت هایش در پیست، بلکه به دلیل دید وی در مورد نوع شمشیربازی، و دنیای فراتر از شمشیربازی، بسیار ویژه است، البته اگر متعهد به ایجاد چنین تغییری باشیم. بخش اساسی داستان **عطش سوزان و قدرت شکست ناپذیری** اوست. او همیشه برای گذشتن از محدودیت های خود، چه در شمشیربازی، و چه در زمینه های دیگر زندگی، پشتکار عجیبی داشته است. و این همان خصوصیات هایی است که برای موفقیت به آن نیاز دارید. یعنی اینکه: برای حل و فصل وضع موجود توقف نکنیم، و **همیشه منتهای سعی خود را بکنیم تا بهتر عمل کنیم!** این موضوعی است که ما بارها و بارها در سخنان او می بینیم.

معرفی والنتینا وزالی از قول خودش

ایرینا: سلام والنتینا و ریکاردو! از دیدن شما بی نهایت خوشحال هستم، چه افتخار بزرگی است! در چنین دوره بی سابقه ای چگونه روزگارتان را می گذرانید؟

والنتینا: اول از همه، ما باید مثبت نگر باشیم. این دوره، نه تنها برای من و برای ورزشکاران، بلکه برای همه دشوار است. سختی آن به این دلیل است که ما باید بچه ها را در داخل خانه نگه داریم. خوب، ابتدا شما به من بگویید چطور این کار را انجام داده اید؟

ایرینا: در ۲ ماه گذشته ما قرنطینه بوده ایم. و در مدت زمان بسیار کوتاهی، تمام آموزش های خود را بصورت آنلاین شروع کردیم.

والنتینا: در ایتالیا هم تمام مراکز ورزشی ما همان کاری که شما در ایالات متحده کرده اید، انجام دادند. تمام فعالیت های ورزشی بصورت **آنلاین و زیر نظر مربیان** خود انجام می شود. من با تمام باشگاه های شمشیربازی در ایتالیا تماس های زیادی داشته ام، و در مورد تسلیم نشدن و ادامه دادن تمرین با آنها صحبت کرده ام.



فلوره انفرادی بازی های المپیک لندن ۲۰۱۲/۸/۲

ایرینا: این فوق العاده است! یکی از مسئولیت های ما این است که روحیه همه را مثبت نگهداریم، تا قوی بمانند، به زندگی خود ادامه دهند، و آموزش های خود را دنبال کنند.

والنتینا: ورزش تمام زندگی من بوده است. این برای من مهم است. و قبل از اینکه یک ورزشکار باشم و اکنون که به عنوان مدیر فدراسیون شمشیربازی ایتالیا و مدیر تیم ورزشی خودم هستم، برایم مهم بود. تیم من Fiamme Oro (شعله های طلایی) نام دارد و تیم ورزشی پلیس است. در ایتالیا اکثر ورزشکاران المپیک در تیم های نظامی فعالیت می کنند (آنها یک پروتکل با کمیته ملی المپیک دارند) و آنها از تمرینات این افراد پشتیبانی می کنند. من در تلاش هستم تا پیام مثبتی را ارائه بدهم که ورزش باید ادامه پیدا کند. ما باید به آینده ای بهتر ایمان داشته باشیم.

شما تنها کسی هستید که می توانید حدود فعالیت های خود را تعیین کنید

ایگور: والتینا، من سال هاست که شما را تماشا می کنم و مجذوب جنبه های مختلف زندگی و شمشیربازی شما هستم. شجاعت شما، به عنوان **باهوش ترین شمشیرباز پیشکسوت**، در ادامه کار با قدرت حتی در میان آن همه شمشیرباز جوان و با استعداد شایان تحسین است.

والنتینا: در دوران حرفه ای من، از زمان کودکی، همیشه یک هدف چالش برانگیز برای رسیدن به آن برای خودم می چیدم. یکی از بزرگ ترین اعتقادات من در زندگی این است که **ما خودمان باید برای دوره زندگی خود تصمیم بگیریم** که چه کارهایی بکنیم، نه اینکه زندگی برای ما تصمیم بگیرد. بدون اینکه دیگران به ما بگویند کجا متوقف شویم و کی متوقف شویم. و تا زمانی که درون خود عطش داشته باشید، می توانید جلو بروید. هیچ چیزی نمی تواند جلوی شما را بگیرد. وقتی شما برای خود تصمیم می گیرید، تنها شما قدرت آن را دارید که زمان کنار رفتن

خود را انتخاب کنید. این امر همچنین در مورد تصمیم گیری در مورد بازنشسته شدن تان به عنوان ورزشکار یا همان طور که در ایتالیا می گوئیم: "آویز کردن شمشیر خود!" صدق می کند. اجازه ندهید دیگران به شما بگویند که چه باید بکنید.

ایگور: والتینا، چه سخنرانی انگیزشی خوبی!

والنتینا: اعتقاد من در زندگی این است که برای هر آغازی پایانی وجود دارد، و این که با هر پایانی یک آغاز جدید وجود دارد. من خوش شانس بودم که در یک شهر کوچکی در مرکز ایتالیا به نام اییزی متولد شدم. این شهر بطور ناگهان نه تنها در ایتالیا، بلکه در سراسر جهان، به مرکز شمشیربازی تبدیل شد.

شهری که اتسیو تریکولی ساخته است



اولین مدال طلای انفرادی المپیک والتینا وزالی - سیدنس ۲۰۲۰

والنتینا: این همه افتخار به لطف Ezio Triccoli استاد نامدار شمشیربازی ایجاد شد. او در جنگ جهانی دوم جزو سربازان ایتالیایی زندانی در اردوگاه جنگ انگلیس در آفریقای جنوبی بود. اسرا در آن اردوگاه ورزش می کردند و اتسیو تریکولی در آنجا شمشیربازی را فرا گرفت. او شمشیربازی را با چوب یاد گرفت. سپس هنگامی که در سال ۱۹۴۷ به ایتالیا بازگشت، یک مدرسه شمشیربازی در اییزی تأسیس کرد. او اولین قهرمان ایتالیا را در سال ۱۹۵۷ معرفی کرد. از سال ۱۹۷۶ به بعد، همیشه یک ورزشکار از اییزی در بازی های المپیک شرکت کرده است. و از سال ۱۹۸۴ به بعد، یک ورزشکار از اییزی در هر بازی المپیک مدال آور بوده است. ما قهرمانان المپیک مانند **جیووانا تریلینی**، والتینا وزالی، **السا دی فرانسیسکا** و **استفانو سیریونی** را داریم. وقتی بفهمید جمعیت شهر اییزی تنها چهل هزار نفری است، متوجه می شوید که این واقعاً یک رکورد واقعی به حساب می آید!

یکی از مهارت های اصلی مربیگری تریکولی در کار با بازیکن، توجه به شخصیت و انگیزه اوست. وی متقاعد شده بود که **با تکنیک درست و با استفاده از ویژگی های شخصی خود، بازیکن می توانند عنوان کسب کنند**. ورزشکاری که استعداد زیادی دارد می تواند در بازی های المپیک قهرمان شود، اما ورزشکارانی که توانایی قوی دارند اما استعداد آنچنانی ندارند، می توانند تنها عناوین دیگری را کسب کنند. البته نه

عناوین المپیک که از همه بزرگ تر هستند، بلکه عناوین خوب دیگر. اینها اصلی ترین ویژگی های آقای تریکولی بود، که توانست با توجه به ویژگی های خاص خود ورزشکاران، آنها را شکل دهد.

تمرکز روی زمان بندی و ریتم

ایگور: شما گفتید که مربی شما ویژگی های منحصر به فرد هر شمشیرباز را پیدا می کرد و آنها را توسعه می داد. شما یک سبک شمشیربازی بسیار منحصر به فردی داشتید. آیا مربی شما آن را با همکاری شما توسعه داده است، یا اینکه شما خودتان این سبک را توسعه داده اید؟



اتسیو تریکولی و والنتینا وزالی

والنتینا: اتسیو تریکولی درباره تکنیک و حفظ فاصله با من بسیار کار کرد. ابتدا با مسافت های بسیار کوتاه و سپس با گذشت زمان فاصله ها را بیشتر و بیشتر کرد. در طول این تمرینات، او از من می خواست که قدم ها را بشمارم و به **زمان بندی و ریتم** توجه زیادی بکنم. قدم های درست، در زمان مناسب با ریتم مناسب. برای ما بسیار مهم بود که توجه خود را به این جنبه های تکنیک معطوف کنیم، روی هر حرکتی کار کنیم و **زمان و فاصله مناسب را بیابیم**. این تمرکز اصلی مربی تریکولی بود و من روی این عناصر با او خیلی کار کردم.

بعد از او با استاد **جولیو توماسینی** کار کردم، که او همچنین مربی استفانو سیریونی، آریانا اریگوو، الیسا دی فرانسیسکا، مارگریتا گرانباسی و آندره بالدینی بود. جولیو وقتی هجده ساله بود به اییزی آمد و از تریکولی آموزش دید. کار جولیو کمی متفاوت است. من تا پانزده سالگی با تریکولی کار کردم و بیشتر کار من روی تکنیک بود. اما با جولیو، من هم روی تکنیک و هم روی تاکتیک کار کردم.

او به من یاد داد که برای حریف خود غیرقابل پیش بینی باشم. به عنوان مثال: رقبا فکر می کردند من در یک زمان خاص می خواهم کار خاصی را انجام دهم، در حالی که در حقیقت من چیز دیگری را آماده می کردم. من برای آنها **غیرقابل پیش بینی** بودم.

بخش مهمی از رشد شمشیربازی من به خاطر حضور جیووانا تریلینی بود که چهار سال از من بزرگ تر است. وقتی با او تمرین می کردم کودک بودم که همیشه ۵ به صفر، ۵ به صفر، ۵ به صفر به او می باختم. شب ها هر وقت به خانه می رفتم، کاملاً ناامید بودم زیرا همیشه به او می باختم. اما پدرم همیشه به من می گفت: "نگران نباش، فردا با یک امتیاز به او نزدیک تر خواهید شد. شاید هم یک روز بعد از آن یک امتیاز دیگر هم به او نزدیک تر شوی. تا بالاخره یک روز او را خواهی برد." در واقع اینچنین هم شد.

ایگور: آیا او به یک دوست تبدیل شد یا اینکه همیشه برای تان به صورت یک حریف باقی ماند؟

والنتینا: او یکی از دوستان خوب من است. او اکنون یکی از مربیان فدراسیون ایتالیا است. او همچنین مربی آلیس ولپی است. او همیشه برای من یک مرجع خواهد بود. من معتقدم که اگر من آن چیزی شدم که هستم و چنین سابقه ای را به دست آوردم، همه آن به دلیل وجود جیووانا

تریلینی بوده است. او همیشه برای من دوست خواهد بود، و احترام زیادی بین ما وجود دارد. من برای او احترام زیادی قائل هستم، و معتقدم که او هم برای من احترام زیادی قائل است.

ایگور: من فکر نمی کنم کسی در دنیا وجود داشته باشد که برای شما احترام زیادی قائل نباشد! اگر من از شما بخواهم تنها یک خصوصییتی را که باعث شد والتینا وزالی، والتینا وزالی شود، بیان کنید، آن چیست؟

والتینا: من بسیار **مصمم و بسیار سرسخت** هستم! اگر من یک هدف داشته باشم، برای رسیدن به آن هدف، هر آنچه لازم است انجام می دهم. روزانه شش تا هفت ساعت تمرین می کردم. از ابتدا تا آخرین روز تمریناتم، من **اولین نفری بودم که وارد سالن مسابقه می شدم و آخرین کسی بودم که آن را ترک می کردم**. من معتقدم که این یک ویژگی عمده برای بسیاری از شمشیربازهای ایتالیا و جهان بود. من اعتقاد دارم که هر کاری که در توانم بود برای رشد شمشیربازی ایتالیا انجام داده ام.

آخرین بازی ریو



مسابقات قهرمانی فلوره بانوان جهان: والتینا وزالی، آریانا اریگو، الیسا دی فرانسیسکا و مارتینا باتینی. ریو دوژانیرو، ۲۶ آوریل ۲۰۱۶

ایگور: والتینا، آخرین روز از دوران شمشیربازی شما مسابقات قهرمانی تیمی جهان در ریو بود، درست است؟

والتینا: این روز برای من خیلی خاص بود. قبل از مسابقه یک مهمانی برای من برگزار می شد. روز خیلی زیبایی بود. همه شمشیربازهای جهان در سالن برگزاری ایستادند و به همراه من به هوا پریدند. معمولاً روز قبل از هر مسابقه من با اعضای تیم ملی (اریگو، دی فرانسیسکا، باتینی) یک سنت داشتیم. شب قبل، ما سلام ویژه تیم ایتالیای خود را تمرین می کردیم. همه ما در کنار هم می ماندیم و آن آهنگ را تمرین می کردیم که روز بعد در مقابل رقبا آن را با آواز بخوانیم.

من این فرصت را داشتم که در بسیاری از تیم های رویایی شمشیربازی ایتالیا حضور داشته باشم، اما وقتی آریانا اریگو و الیزا دی فرانسیسکا به این تیم پیوستند، آنها قانون بازی را تغییر دادند و علاوه بر خواندن آهنگ، رقص هم می کردیم. این برای من یک چالش بود! آخرین آهنگ و رقصی که برای فینال در آن قهرمانی آماده کردیم، واقعاً از صمیم قلب مرا تحت تاثیر قرار داد، زیرا نوعی تشکر از دوران قهرمانی من بود، برای آن همه کاری که انجام داده بودم! این بهترین شیوه برای خداحافظی بود. ما قهرمان نشدیم و نقره گرفتیم. اما در عین حال برای من یک پیروزی بود، زیرا من هر آنچه در توانم بود برای ورزشم انجام داده بودم. و این گونه بود که من سفر خود را به عنوان یک ورزشکار به پایان رساندم. و یک سفر جدید دیگری مقابل من آغاز شد، و من یقین داشتم که هم تیمی هایم حتی بدون من قادر به ادامه کار هستند و نتایج عالی هم کسب خواهند کرد.

ایگور: آنها قطعاً این کار را انجام دادند! من این مسابقه را در صورت زنده تماشا کردم، و مفسران همیشه در مورد شما صحبت می کردند. آن حس یک مهمانی خداحافظی بزرگی را داشت.

والنتینا: باید اعتراف کنم که وقتی می دانید که این آخرین رقابت شماست، بازی دشوار می شود.

ایگور: چه زمانی تصمیم گرفتید که این آخرین مسابقه شما باشد؟

والنتینا: بعد از بازی های المپیک لندن که تنها یک مدال برنز برای ایتالیا گرفتم، آن مسابقه برای من خیلی چالش برانگیز بود. ضمن اینکه دلم می خواست فرزند دومی داشته باشم. بدین ترتیب بود که من در مورد خداحافظی در مسابقات جهانی در ریو فکر کردم.

فراخوان یک ملت

سپس در دسامبر ۲۰۱۲، من یک تماس از یک حزب سیاسی دریافت کردم. آنها از من خواستند که تجربه خود را برای کار کردن به نفع ملت قرار دهم و من هم با "بله" جواب دادم. بنابراین من سفر سیاسی خود را وقتی هنوز ورزشکار بودم شروع کردم.



۲۵/۷/۲۰۱۲ مراسم افتتاحیه المپیک لندن - والتینا وزالی پرچمدار تیم ایتالیا

من حس مالکیت و احساس تعلق شدیدی به ایتالیا دارم. ایتالیا چیزهای زیادی به من داده است و من نمی توانستم امتناع کنم، زیرا من ندای جدی کشورم را احساس می کردم. همان طور که قبلاً گفتم، من فردی مصمم و خیلی سرسخت هستم. من به کار شمشیربازی خودم ادامه دادم و در همان زمان سیاستمدار نیز شدم.

در همه این اتفاق ها، یک چالش بزرگ دیگر برای من پیش آمد. مربی من، جولیو توماسینی، مربیگری خود را در فرانسه آغاز کرد. و من فقط تنها در اردوهای ملی می توانستم با او تمرین کنم. این دوره برای من خیلی سخت بود، زیرا من در رُم به دور از خانواده ام در ایزی، زندگی می کردم (در شهر آنکونا در حدود ۳۰۰ کیلومتری رم). من هم مشغول تمرین شمشیربازی بودم و هم درگیر فعالیت های سیاسی بودم که برای پیگیری برنامه های آن احتیاج به حضور مداوم در جلسات آنها داشتم. فرزندان من بسیار کوچک بودند. پیترو، فرزند اول من، حتی ده سال هم سن نداشت و آندره، فرزند دومم، خیلی کوچک بود. اما من تسلیم نشدم!

در این دوره دشوار، من مدال طلای تیمی ۳ قهرمانی جهان و یک مدال برنز انفرادی در مسابقات قهرمانی جهانی سال ۲۰۱۳ در کازان، کسب کردم. هر نتیجه ای که به دست می آورم، دوست داشتم دوباره آن را تکرار کنم! من معتقدم در زندگی **ما باید با جدیت و عزم راسخ به دنبال اهداف مان باشیم**. ما همیشه باید به پیش برویم و آگاه باشیم که ما یا پیروز می شویم و یا می بازیم، اما آنچه مهم است اینکه قبول کنیم که ما با تمام قوا سعی خود را کرده ایم. البته همه ما برای پیروزی رقابت می کنیم اما بعضی اوقات اوضاع آن طور که دوست داریم نمی شود و باید آن را بپذیریم، با این آگاهی که ما هر آنچه برای موفقیت لازم بود، انجام داده ایم.

جای تأسف است که در بازی های المپیک ریو فلوره تیمی بانوان وجود نداشت. من حضور مستحکمی در تیم ملی ایتالیا داشتم. در آن زمان آریانا اریگو و الیزا دی فرانسسکا دو شمشیرباز بسیار قوی، جوان و مجرد بودند که رقیبان بزرگی در المپیک محسوب می شدند. اگر رویداد تیم فلوره در بازی ها می بود، مطمئنم که می توانستم در ششمین المپیک خود نیز شرکت کنم.

تحت فشار

ایگور: هرچه بیشتر شمشیربازی می کردید و بیشتر به نتیجه می رسیدید، دیگران شما را بیشتر می شناختند. آنها سعی می کردند تکنیک های شما را یاد بگیرند و فیلم های شما را مطالعه کنند. به خاطر همین آیا شما احساس فشار بیشتری نمی کردید؟



مسکو ۱۶ جولای ۲۰۱۵، مسابقات قهرمانی جهان، الیزا دی فرانسسکا، آریانا اریگو، مارتینا باتینی و والتینا وزالی

والتینا: من همیشه روی توانایی های خودم تمرکز می کردم و گاهی تمایل داشتم که فراتر از حد خودم ظاهر شوم. استاد توماسینی برای من نقش بزرگ و اساسی را بازی می کرد. هنگامی که با او تمرین می کردم، او مرا تحت فشار قرار می داد تا **به طبیعی ترین شیوه، چالش برانگیزترین حرکت ها** را انجام دهم. با توجه به تمرینات او بود که در مسابقه من توانستم حرکات سخت را به روشی بسیار طبیعی انجام دهم. به همین دلیل، وقتی من در حال رقابت بودم واقعاً از آن لذت می بردم.

یکی از حکایات مورد علاقه من که به خاطر دارم این گونه بود که وقتی در یکی از مسابقات قهرمانی جهان مقابل حریفی بازی می کردم، ناگهان ضربه ای را زدم. آنگاه حریف حرکات خود را تغییر داد اما من دوباره به او ضربه زدم. او دوباره حرکت های خود را تغییر داد ولی من باز هم ضربه زدم. بنابراین او به طرف مربی خودش برگشت و با چهره ای خیلی پریشان به او نگاه کرد، گویا از او می پرسید: "من چه کاری باید بکنم؟" مربی او در جواب دست های خود را باز کرد و گفت: "من نمی دانم چه کاری می توانی انجام دهی، مثل اینکه او ذهن شما را می خواند!"

نکته مهم مربی من این بود که ما می دانستیم که همه بازیکنان دیگر تمام جزئیات بازی مرا بررسی می کنند. آنها از همه اتفاقاتی که پیرامون من می گذشت آگاه بودند. او همیشه مرا برای سخت ترین شرایط غیرقابل پیش بینی و طبیعی آماده می کرد. وقتی با سایر ورزشکاران ایتالیایی که از او آموزش می دیدند صحبت می کردم، همه آنها یکسان می گفتند: کیفیت اصلی استاد این است که شما را طوری ساخته است که **سخت ترین کارها به طور طبیعی انجام دهید**. درس های او بسیار لذت بخش بود.

گزینه های دلخواه والتینا وزالی

ایگور: برای شما جالب ترین شمشیرباز حال حاضر کیست؟

والتینا: الیسا دی فرانسیسکا. او از تکنیک و زمان بندی بسیار خوبی برخوردار است. او با من فرق دارد چون بسیار قد بلند است، و از قد خود بسیار زیبا استفاده می کند. وقتی با او بازی می کنید، فکر نمی کنید که او بتواند به شما ضربه بزند، اما او این کار را می کند. **آریانا اریگو** همچنین زمان بندی خوبی دارد. ضمن اینکه او بسیار غیر قابل پیش بینی است، و حمله های عالی دارد. **آلیس ولپی** هم خوب است. **دریگلازووا** نیز شمشیرباز بزرگی است و در حال حاضر او برای من احتمالاً بهترین بازیکن دنیاست. او بسیار بی سر و صدا و حرفه ای شمشیربازی می کند.



لی کیفر (سمت چپ) در برابر والتینا وزالی در بازی های یک چهارم نهایی مسابقات قهرمانی جهان سال ۲۰۱۴

باید بگویم که **لی کیفر** نیز خیلی خوب است حتی اگر در بازی های المپیک یا در مسابقات قهرمانی جهان نتیجه خوبی کسب نکرده است. من فکر می کنم که تنها کاری که او باید انجام دهد این است که به توانایی های خود بیشتر اعتقاد داشته باشد و بپذیرد که می تواند آن را انجام دهد، در این صورت است که او قادر به کسب نتیجه خواهد بود.

ایسورا تیباس نیز یک شمشیرباز بسیار خوب و در عین حال هم بازیکن جالبی است. او با سریونی همکاری می کند، که برای من یک مربی عالی است، او همچنین مربی ایمبودن است که خودش هم بسیار خوب است.

بنابراین، در میان خانم ها - دی فرانسیسکا، اریگو، دریگلازووا، ولپی، تیباس و کیفر بهترین هستند. اما در میان آقایان - در بین شمشیربازهای ایتالیایی، **گراتسو، فوکونی، کاسارا، اولا، تومازو مارینی**، که جوان هم هست، و بازیکنان فلوره تیم مردان آمریکا نیز جزو بهترین ها هستند.

ایگور: شنیدن ستایش شما از شمشیربازان آمریکایی برای خوانندگان ما خیلی عالی است.

والنتینا: اما این درست است! شما می توانید به نتایج نگاه کنید. وقتی در اواخر دهه ۱۹۹۰ من جوان بودم، ایالات متحده برای اولین بار شروع به کسب نتیجه کرد. **آیریس زیمرمن** هنوز یادم هست. اکنون آمریکا در همه سلاح ها عالی است. مخصوصاً در سابر، من فکر می کنم **ماریل زاگونیس** در ایالات متحده یک بت شده است. او در بسیاری از بازی های المپیک قهرمان شده و کارهای زیادی، نه تنها برای ایالات متحده، بلکه برای شمشیربازی کل جهان انجام داده است.

ایگور: من یک کتاب در مورد این مطلب نوشته ام، که شمشیربازی آمریکا در طول ۲۰ سال گذشته چگونه بسیار تغییر کرده است. شنیدن دیدگاه شما در مورد شمشیربازی کنونی آمریکا بسیار جذاب است!



تغییر سیاست ها

ایرینا: آیا می توانید در مورد دوران سیاسی خود برای ما بیشتر توضیح دهید؟

والنتینا: برای من سیاستمدار بودن به معنای خدمت به کشور خود است. این وسیله ای است برای ادای دین به کشورم می باشد. این یک کار معمولی نیست. البته من امروز دیگر یک سیاستمدار نیستم، اما به نوعی به عنوان مدیر فدراسیون شمشیربازی ایتالیا به صورت متفاوتی در سیاست شرکت می کنم. من برای ساختن فرهنگ ورزش در ایتالیا کار می کنم. در ایالات متحده فرهنگ ورزش بسیار بالاتر از آنچه در ایتالیا است. به عنوان مثال، در ایتالیا وقتی جوان هستید و می خواهید ورزش را در سطح بالا انجام دهید، توسط معلم ها جریمه می شوید، زیرا آنها معتقدند که ورزش ممکن است به تحصیلات شما لطمه بزند. و این اشتباه است! من تصمیم دارم که ورزش را در آموزش و پرورش رایج کنم، درست مانند آنچه در ایالات متحده بصورت چشم گیری انجام می شود.

ایگور: در ایالات متحده ورزش در مدرسه و دانشگاه ها خوب است، اما ورزش حرفه ای فقط برای مواردی مانند بسکتبال، فوتبال و هاکی انجام می شود. در ورزش های آماتور مانند شمشیربازی، حمایتی که در ایتالیا وجود دارد در اینجا نیست. دولت در اینجا از مشاغل نظامی برای حمایت از ورزشکاران حرفه ای بهره نمی گیرد.

والنتینا: وقتی عضو پارلمان بودم تلاش کردم ورزش را از شش سالگی در مدارس اجباری کنم. امروزه در این سن در مدارس ایتالیایی ورزشی وجود ندارد. در ایتالیا در بین ورزش ها نابرابری وجود دارد، زیرا ورزش هزینه های زیادی در بر دارد. اگر پول آن را نداشته باشید، شما نمی توانید به عنوان یک کودک ورزش کنید. در مدارس ما برنامه های ورزشی چندان مناسبی نداریم. در خارج از مدارس هم ورزش به صورت کار داوطلبانه انجام می شود.

نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که دولت ما با همکاری کمیته ملی المپیک برنامه های توسعه ورزشی (رشته های المپیک) خود را از طریق سازمان های نظامی تأمین می کنند. بنابراین اگر یک رشته المپیک را دنبال کنید و یک بازیکن ملی باشید، می توانید برای دریافت حقوق و شغل خود وارد یک گروه نظامی شوید. مگر اینکه برای تأمین مالی خودتان شغل داشته باشید یا گزینه های دیگری را پیدا کنید.

ایگور: بدون آن پشتیبانی، شما احتمالاً نمی توانستید تا چهل سالگی به رقابت بپردازید!

والتینا: بله ، بدون حمایت باشگاه فیامه اورو، احتمالاً من نمی توانستم تا این مدت طولانی به شمشیربازی خود ادامه دهم! باز هم تکرار می کنم که ما در ایتالیا به لطف پشتیبانی سازمان های نظامی می توانیم ورزش کنیم. اما از طرف دیگر، ما نمی توانیم در آن واحد، هم تحصیل کنیم و هم ورزش کنیم. زیرا در حوزه دانشگاهی جریمه می شویم. در ایالات متحده، اگر یک ورزشکار سطح بالایی باشید، می توانید به دانشگاه بروید و آموزش و تحصیل کنید. در ایتالیا، اگر یک ورزشکار سطح بالایی هستید، باید بین ورزش و دانشگاه یکی را انتخاب کنید. شما نمی توانید هر دو را با هم داشته باشید. اگر هم باشد، واقعاً خیلی دشوار است. این یک تفاوت بسیار مهم بین ایتالیا و ایالات متحده است.

یکی از بازیکنان استثنای ما دانیل گاروزو (مدال آور طلای فلورۃ انفرادی المپیک ریو) است که در حال تحصیل در رشته پزشکی است. در ایتالیا، ما چیزهای استثنایی را "مگس سفید" (به معنای چیزی بسیار نادر) می نامیم. او بسیار قدرتمند و بسیار با استعداد است، اما حتی با وجود مگس سفید بودنش، او هنوز موفق به اتمام تحصیلاتش به موقع نشده است.

باید اعتراف کنم که امروزه با توجه به وجود دوره های مربیگری و تدریس آنلاین، این کار بسیار ساده تر شده است. در زمان من این چیزها وجود نداشت، و روش تحصیل سنتی بود، و در بیشتر درس ها ما مجبور بودیم بصورت حضوری و به صورت فیزیکی شرکت کنیم. با این وجود، حتی در حال حاضر، وقتی به مدت شش یا هفت ساعت در روز تمرین می کنید، تلفیق تمرینات سطح بالا و تحصیلات دانشگاهی در ایتالیا، علی رغم وجود امکانات آنلاین، سخت است، به ویژه موقع امتحانات.

ایگور: بنابراین در ایتالیا مسیر طبیعی شغل یک ورزشکار حرفه ای بعد از بازنشستگی تنها ورزش می تواند باشد؟

خبر داغ: والتینا وزالی در پست ریاست فدراسیون شمشیربازی ایتالیا



والتینا وزالی قهرمان چندین و چند المپیک

والتینا: بله ، بیشتر اوقات وقتی کناره گیری می کنید، کار خود را به عنوان مربی یا یک مدیر ادامه می دهید. برای من هم همین طور است، بگذارید به شما یک خبر داغ برای وبلاگ تان بدهم. من هم در چهارچوب ضرب المثل "مگس سفید" قصد دارم به عنوان اولین زن وارد حوزه مدیریت فدراسیون شمشیربازی بشوم. هدف من این است که اولین رئیس فدراسیون شمشیربازی خانم ایتالیا شوم (صدای خنده). در ایتالیا این کار بسیار سختی است زیرا فدراسیون شمشیربازی همیشه توسط آقایان کنترل می شده است. اما من عاشق چالش هستم! (صدای خنده)

ایگور: بنابراین ما در وبلاگ خودمان این خبر داغ را با حروف بزرگ خواهیم نوشت "**خبر فوری** - والتینا وزالی برای ریاست فدراسیون شمشیربازی ایتالیا کاندید شده است!"

والنتینا: (صدای خنده). نه، این را ننویسید! زیرا من خرافاتی هستم! اما میدونی چیه؟ شما واقعاً می توانید این را بنویسید، اشکالی ندارد. من وقتی خیلی کوچک بودم، هر شب به پدرم می گفتم، "می خواهم مدال طلای المپیک را به دست آورم." و علی رغم آن اعتقادات خرافاتی، من آن را به دست آوردم! (صدای خنده)

ایگور: (صدای خنده). می دانید، یک میلیارد کودک در دنیا وجود دارند که همه آنها می خواهند در بازی های المپیک برنده شوند، اما تنها یک نفر از آنها قهرمان می شود.

والنتینا: (همچنان به خندیدن ادامه می دهد) شما باید هر روز این را بگویید! وقتی در کودکی شروع به رقابت کردم، وقتی به جای ۵ به صفر ۵ به یک از کسی می بردم، شروع به گریه می کردم به این دلیل که حریف موفق شده بود یک ضربه به من بزند. به یاد دارم در یکی از مسابقات شمشیربازی جوانان، به مقام سوم رسیدم. وقتی آنها از سکو عکس گرفتند، من در حال گریه بودم. وقتی بعد از گذشت چندین سال با دختری که در آن مسابقات طلا گرفته بود، ملاقات کردم، او به من گفت: "تو عکس مرا خراب کردی زیرا تو تنها کسی بودی که روی سکو گریه می کردی!" این همیشه بخشی از شخصیت من بود.

بانوی توانمند ساز

ایرینا: شما یک الگوی متعالی برای نشان دادن نقش یک زن قوی هستید. هم برای کشور خودتان و حتی فراتر از آن. آیا می توانید برای ما شرح دهید که کار شما در سیاست، و از همه مهم تر در رابطه با حقوق و برابری زنان چیست؟ آیا شما روی شیوه مورد نظر برای پیشبرد این برنامه، که گفتید برای شما بسیار مهم است، تأثیرگذار بوده اید و در این راستا موفق شده اید؟



والنتینا وزالی قهرمان چندین المپیک به همراه فرزندان پیترو و آندره

والنتینا: اول از همه، بگذارید بگویم که من مخالف سهمیه های "صورتی" هستم (طوری که عنوان شود در این یا آن پست نباید تعداد مشخصی از زنان وجود داشته باشند). من مخالف این تعداد ثابت هستم. طبیعی است که زنان باید بخشی از جریان سیاست، تیم های رهبری و در رأس مدیریت شرکت ها باشند. من برای ارتقاء حضور و برابری جنسیتی زنان، در سیاست و همچنین در سطوح بالای مدیریت ورزشی تلاش زیادی می کنم. در ایتالیا حرکت در این زمینه اندکی کند است. من به **قدرت زنان** اعتقاد دارم. شواهدی داریم که وقتی زنان به سطوح بالای شرکت ها می رسند یا نقش های برتر رهبری را به دست می گیرند، امور واقعاً بهتر می شود.

ایگور: چرا باید این گونه باشد؟ خانم ها چه چیزی را به طور متفاوتی انجام می دهند؟! خوب، در شرکت ما، رئیس یک خانم است. (صدای خنده)

والنتینا: از زمان بازی های المپیک پکن، ما شاهد تفاوت بین مدال های آقایان و بانوان هستیم. ما این را در صنعت نیز دیده ایم. تفاوت اصلی بین زن و مرد در این است که زنان چند وظیفه ای هستند، آنها می توانند روز را به روشی به مراتب بهتر از مردان در زمینه خانواده و کار مدیریت کنند. در ایتالیا گفته می شود که، "پشت هر مرد موفق یک زن وجود دارد".

ایگور: خدا کند!

ایرینا: والنتینا، از این بحث جالب خیلی ممنونم و از فرصتی که برای آشنایی با شما به عنوان یک شخصیت به ما دادید سپاسگزارم. امیدوارم این مصاحبه به خیلی از افراد کمک کند تا مثبت نگر و خوش بین بمانند و به انگیزه و درک بیشتر آنها بیافزاید. همان گونه که ما همیشه در وبلاگ مان انجام می دهیم، لطفا چند کلمه پایانی برای جامعه شمشیربازی سراسر جهان بگویید؟

والنتینا: من فقط می خواهم برای همه ورزشکاران جهان که رویای رفتن به بازی های المپیک را دارند بهترین ها را آرزو کنم. امیدوارم سال آینده بازی های المپیک توکیو برگزار شود. من سلام گرم خودم به جوانان و نوجوانانی که رویای رسیدن به رقابت های بزرگ را دارند، می فرستم، اما دوست دارم برای جوان ترین شمشیربازها یک پیام ویژه بفرستم. برای آن عزیزان خردسالی که به تازگی وارد دنیای خارق العاده شمشیربازی می شوند.

شمشیربازی ورزش اهداف و ارزش ها است، زیرا آن واقعاً ارزش های ویژه ای را برای زندگی به شما می آموزد، مانند احترام به حریف و طرف مقابل، احترام به قوانین، عزم و ایثار. امیدوارم به زودی دنیا دوباره شروع به کار کند و امیدوارم به زودی به حالت عادی خود برگردیم. دست دادن و در آغوش گرفتن یکدیگر بسیار عالی است، و من معتقدم که به آن باز خواهیم گشت. من خوش بین هستم!

باشگاه AFM نمی تواند به اندازه کافی از والنتینا وزالی به خاطر بینش و تفکر آینده نگرانه اش تشکر کند. همه ما می توانیم از او، به عنوان یک قهرمان و یک زن قدرتمند، الهام بگیریم. خیلی ممنون والنتینا!

